

بررسی قاعده حرمت تنفیر
با تأکید بر قوانین مربوط به اتباع



مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی
گروه فقه و حقوق / کارگروه فقه

نویسنده:

حجت‌الاسلام دکتر مرتضی فیاض

ارزیابان علمی:

حجت‌الاسلام دکتر حسین سنائی

حجت‌الاسلام دکتر مهدی شجریان

همکاران پژوهشی:

آیت الله محمد مهدی قائنی،

آیت الله جعفر بستان،

استاد محمدهادی فاضل بابلی

حجت‌الاسلام دکتر سید عبدالمطلب احمدزاده

حجت‌الاسلام دکتر رضا پورصدقی

کارشناس مرکز:

سید محمد مهدی موسوی

عنوان:

بررسی قاعده حرمت تنفیر
با تأکید بر قوانین مربوط به اتباع

شماره ثبت لایحه/طرح:

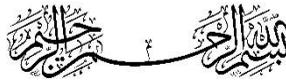
-

شماره ثبت در مرکز:

۰۴/۸۰-۷۴۱

تاریخ انتشار:

زمستان ۱۴۰۴



بررسی قاعده حرمت تنفیر با تأکید بر قوانین مربوط به اتباع

مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی

گروه فقه و حقوق / کارگروه فقه

زمستان ۱۴۰۴

فهرست

خلاصه مدیریتی	۷
مقدمه	۹
۱. مفهوم‌شناسی قاعده تنفیر و مروری بر دیدگاه‌های فقیهان	۱۱
۲. ادله قاعده تنفیر	۱۴
۲.۱. روایات	۱۵
۲.۲. اجماع	۱۸
۲.۳. عقل	۱۹

۳. ملاک تنفیر در قاعده ۲۰
۴. کاربرد قاعده تنفیر در اتباع ۲۲
۵. جمع بندی ۲۴
- توصیه های سیاستی ۲۵
- منابع ۲۷

خلاصه مدیریتی

بیان مسئله: فقدان معیار مشخص برای تشخیص رفتارهایی که موجب بدبینی و نفرت نسبت به دین (تنفیر) می‌شود، چالش‌هایی در قانون‌گذاری و اجرا، به‌ویژه در حوزه حقوق اتباع خارجی ایجاد کرده است. مسئله اصلی، تبیین فقهی این قاعده برای جلوگیری از تصمیماتی است که ناخواسته موجب وهن اسلام و نظام اسلامی می‌گردد.

اهمیت و هدف: با توجه به اینکه اجرای احکام بدون در نظر گرفتن بازتاب‌های اجتماعی آن می‌تواند به اصل دین ضربه بزند، هدف این پژوهش ارائه مبانی فقهی و استانداردهای لازم برای کارگزاران نظام است تا با تمسک به حجت شرعی، ضمن حفظ اصول دین، از اقداماتی که موجب دین‌گریزی می‌شود، پرهیز نمایند.

ساختار: پژوهش حاضر پس از مفهوم‌شناسی «تنفیر»، به بررسی ادله اربعه (قرآن، روایات، اجماع و عقل) پرداخته و اثبات می‌کند که این قاعده معتبر است. سپس با واکاوی نقش «حاکم اسلامی» در تشخیص مصادیق، به کاربرد عینی این قاعده در حوزه قوانین مربوط به اتباع خارجی (پذیرش، اخراج، حقوق مدنی و معاهدات) می‌پردازد.

یافته‌ها: قاعده حرمت تنفیر شامل گستره وسیعی از احکام الزامی و غیرالزامی است و در صورت احراز تنفیر (توسط حاکم اسلامی)، حکم اولیه (مانند اجرای حد یا قوانین سخت‌گیرانه) می‌تواند به صورت موقت تعلیق یا تبدیل شود. تشخیص این موضوع برعهده حاکم است. در خصوص اتباع، اعمالی نظیر خلف وعده در امان‌نامه‌ها (ویزا)، نقض قراردادهای بین‌المللی، و رفتارهای خشن در اخراج یا پذیرش که موجب ارائه چهره‌ای ضدانسانی از اسلام شود، ممنوع است.

توصیه‌های سیاستی: قانون‌گذار باید در تدوین مقررات مربوط به اتباع، اصل «حفظ کرامت و آبروی اسلام» را محور قرار دهد. تعهد عملی به قراردادهای بین‌المللی پذیرفته‌شده، پرهیز از اخراج‌های قهریِ مغایر با اصول انسانی، و تضمین حقوق اولیه اتباع دارای مجوز، از الزامات فقهی مبتنی بر قاعده حرمت تنفیر است که باید در قوانین لحاظ گردد.

مقدمه

قاعده «حرمت تنفیر از دین» یکی از قواعد فقهی راهگشا و مؤثر در حوزه احکام حکومتی و مسائل حقوقی است. این قاعده بیانگر آن است که انجام هر عملی که به صورت گسترده موجب بیزاری، نفرت و دوری مردم از دین اسلام گردد، جایز نیست و شارع مقدس نسبت به اجرای احکامی که چنین تالی فاسدی داشته باشند، رضایت ندارد.

با توجه به گستردگی دایره این قاعده و عدم اختصاص آن به بایی خاص از ابواب فقه، و همچنین کاربرد وسیع آن در قوانین مدنی و سیاست‌گذاری‌های کلان، ابهاماتی در خصوص حدود، ثغور و ملاک‌های تشخیص آن وجود دارد. فقدان ملاک مشخص می‌تواند منجر به اعمال سلیق شخصی و یا اجرای قوانینی شود که ناخواسته به وهن اسلام و نظام اسلامی بینجامد. مسئله اصلی این پژوهش، تبیین ابعاد فقهی این قاعده و تعیین معیار مشخص برای حرمت تنفیر است تا قانون‌گذاران و مجریان در جامعه اسلامی بتوانند با حجت شرعی تصمیمات خود را اتخاذ نمایند.

ضرورت این بحث از آنجا ناشی می‌شود که اجرای احکام شریعت باید با زمینه‌سازی و ایجاد ظرفیت در جامعه همراه باشد تا مورد پذیرش قرار گیرد. شفاف‌سازی ابعاد فقهی این موضوع برای کارگزاران نظام اسلامی جهت جلوگیری از تصمیماتی که چهره‌ای خشن یا غیرمنطقی از اسلام به نمایش می‌گذارند، حیاتی است.

اگرچه این قاعده در لابه‌لای مباحث فقهی فقها مطرح بوده، اما به صورت مستقل کمتر مورد واکاوی قرار گرفته است. از جمله آثار مرتبط می‌توان به مقالاتی نظیر «بررسی قاعده فقهی حرمت تنفیر از دین» (نوبهار) و «نسبت قاعده فقهی حرمت تنفیر با حکم حکومتی» (شیخ موحد و دیگران) اشاره کرد. در این میان پژوهش حاضر تلاش دارد با تمرکز بر کاربرد این قاعده در خصوص «اتباع خارجی»، خلأ موجود در این زمینه را پر کند.

این پژوهش با روش تحلیلی - توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، در چهار بخش به واکاوی موضوع می‌پردازد: پس از مفهوم‌شناسی تنفیر و مروری بر دیدگاه فقیهان در بخش اول، ادله اثبات قاعده تبیین می‌شود، سپس ملاک تشخیص تنفیر تبیین می‌گردد و در نهایت چگونگی کاربرد این قاعده در قوانین و مقررات مربوط به اتباع خارجی تشریح خواهد شد.

۱. مفهوم‌شناسی قاعده تنفیر و مروری بر دیدگاه‌های فقیهان

تَنفیر در لغت به معنای عقب راندن، فراری دادن و دور کردن آمده است.^۱ کسی که اسب را به سمت جلو می‌کشد هرگاه تازیانه را به سمت اسب بلند کند و آن را بزند، اسب به جای حرکت به جلو به سمت عقب فرار می‌کند. به این عمل تنفیر می‌گویند.^۲ با مراجعه به عبارات فقها روشن می‌شود قاعده حرمت تنفیر قاعده‌ای فقهی است که هر عملی را که موجب بیزاری و نفرت مردم از دین شود، حرام می‌داند. طبق این قاعده، اجرای احکام شریعت باید با زمینه‌سازی و ایجاد ظرفیت در جامعه اجرا شود تا مورد پذیرش قرار گیرد.^۳

۱. لسان العرب، ج ۱۲، ص ۲۲۴.

۲. مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱۶، ص ۱۵۵.

۳. شاطبی معتقد است که قاعده تنفیر به دو شکل قابل تقریر است: ۱- به موجب این قاعده برخی مباحات که منجر به تنفر می‌گردد حرام است. ۲- قاعده تنفیر مثل قاعده لاجرح بر همه احکام اولیه حاکم است؛ الا اینکه آن عمل به حدی مورد تأکید باشد که شارع تحت هیچ شرایطی راضی به ترک آن نباشد (الموافقات فی الاصول الشریعة، ج ۱، ص ۱۵۶).

مشهور فقهای امامیه بر همین مبنا از جمله شیخ مفید،^۱ ابن ادریس،^۲ قاضی ابن براج،^۳ محقق حلی،^۴ علامه حلی^۵ و صاحب جواهر^۶ قائل به حرمت اجرای حد در سرزمین دشمن شده‌اند. حتی شیخ طوسی در کتاب *الخلافا* بر این امر ادعای اجماع کرده است.^۷

از قائلان به این نظر در بین فقهای معاصر نیز می‌توان به آیت‌الله خوانساری،^۸ امام خمینی^۹ و آیت‌الله گلپایگانی^{۱۰} اشاره کرد.

امام خمینی نیز در مواردی به دلیل اینکه اجرای برخی احکام اسلامی موجب وهن اسلام و نظام اسلامی می‌شود دستور توقف آن را صادر کردند. از نظر ایشان باید از کارهایی که موجب وهن مذهب است مطلقاً احتراز شود.^{۱۱}

۱. المقنعة، ج ۱، ص ۷۸۱.

۲. السرائر، ج ۳، ص ۴۵۷.

۳. المهذب، ج ۲، ص ۵۲۹.

۴. شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۱۶.

۵. تحرير الأحكام، ج ۵، ص ۳۲۵.

۶. جواهر الکلام، ج ۷، ص ۳۴۴.

۷. تهذيب الاحكام، ج ۵، ص ۵۲۳.

۸. جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، ج ۷، ص ۴۴.

۹. کتاب البيع، ج ۲، ص ۶۳.

۱۰. الدر المنضود فی احکام الحدود، ج ۱، ص ۳۹۰.

۱۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۸۶.

فقیهی دیگر در این باره معتقد است:

اگر اقامه برخی حدود با کیفیت ویژه آن در منطقه‌ای خاص یا در همه مناطق یا در برهه‌ای از زمان موجب تنفر افکار عمومی از اسلام و احکام آن و در نتیجه تضعیف اساس دین گردد، حاکم مسلمانان یا متولی حوزه قضا می‌تواند بلکه موظف است اقامه آن حد را تا زمان توجیه افکار عمومی نسبت به مقررات و حدود اسلامی و علت موضع آنها تعطیل نماید.^۱

مراجع معاصر نیز در پاسخ به این استفتا که چنان‌که اجرای رجم یا مجازات‌هایی نظیر مجازات‌های لواط با شیوه‌های منصوص در شرایطی خاص به مصلحت اسلام و نظام مقدس اسلامی نباشد - مثلاً وهن اسلام و مسلمانان باشد - و چهره خشنی از اسلام یا نظام اسلامی نشان دهد آیا می‌توان ضمن اجرای اصل حکم قتل، شیوه آن را تغییر داد؟ چنین پاسخ داده‌اند:

آیت‌الله مکارم: «با عنوان ثانویه می‌توان آن را تغییر داد و در بسیاری از شرایط در عصر و زمان ما انتخاب شیوه رجم یا حد لواط مشکل دارد».

آیت‌الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی: «چنانچه حقیقتاً مستلزم وهن اسلام باشد، می‌توان شیوه اجرای آن را تغییر داد».

آیت‌الله نوری همدانی: «در صورتی که حاکم اسلامی مصلحت بداند مانعی ندارد».^۲

۱. مجازات‌های اسلامی و حقوق بشر، ج ۱، ص ۱۰۳.

۲. مجموعه آرای فقهی قضایی در امور کیفری، ج ۱، ص ۱۸۴.

برخی فقها معتقدند ممنوعیت اجرای مجازات‌های اسلامی در سرزمین دشمن منحصر به وجود مفسده پیوستن مسلمانان به دشمن نیست، بلکه در صورت ترتب هر مفسده دیگری اجرای مجازات ممنوع است.^۱

۲. ادله قاعده تنفیر

در متون فقهی قاعده حرمت تنفیر از دین در قالب بحث مستقل مطرح نشده و بعضاً در کتب قواعد الفقهیه در بحثی مستقل به آن پرداخته شده است. اما در سنت، اجماع و عقل ادله محکمی وجود دارد که بر این قاعده و قابلیت استناد به آن دلالت دارد و با وجود این در دامنه اجرای این قاعده اختلاف نظر وجود دارد. از طرفی قانونگذار ما در بحث قانونگذاری هیچگاه نسبت به منابع معتبر فقهی و قواعدی که فقهای شیعه در طول تاریخ مورد استفاده قرار داده‌اند، بی تفاوت نبوده است. جهت روشن شدن جواب سؤال اصلی در نوشتار حاضر که بررسی قاعده حرمت تنفیر است، لازم است ادله اثبات‌کننده این قاعده تبیین شود. توضیح آنکه ادله اربعه عبارتند از: قرآن، سنت، اجماع و عقل که احکام شرعی از آنها استنباط می‌شود. ادله ادعایی مطرح‌شده برای حرمت تنفیر، شامل سه قسم از این چهار مورد، به شرح زیر است:

۱. فقه الحدود و التعزیرات، ج ۱، ص ۵۴۰.

۲.۱. روایات

عمده مستند قاعده حرمت تنفیر را سنت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) دانسته‌اند. برای نمونه در معتبره غیاث بن ابراهیم امام صادق (ع) از پدرشان امام باقر (ع) چنین نقل فرمودند: «لَا أُقِيمُ عَلَى رَجُلٍ حَدًّا بِأَرْضِ الْعَدُوِّ - حَتَّى يَخْرُجَ مِنْهَا - مَخَافَةَ أَنْ تَحْمِلَهُ الْحَمِيَّةُ فَيَلْحَقَ بِالْعَدُوِّ»^۱ در سرزمین دشمن حد را اجرا نمی‌کنم تا شخص از آنجا خارج شود؛ زیرا بیم آن دارم که اجرای حد موجب تحریک حمیت (غیرت) شخص شود و به دشمن ملحق شود».

سؤالی که در اینجا قابل طرح است آنکه اگر اجرای حدود در سرزمین اسلام باعث پیوستن مجرم به دشمن شود آیا حد باید اجرا شود یا خیر؟ پاسخ به این سؤال به این نکته بازمی‌گردد که آیا قید «مخافه ان تحمله الحمیه فیلحق بالعدو» در این روایت «حکمت» حکم است یا علت آن؟ بدیهی است اگر قید مزبور علت حکم باشد در این صورت حکم حرمت اجرای حدود وجوداً و عدماً دائرمدار این قید خواهد بود؛ یعنی هر جا چه سرزمین اسلام یا دشمن، هنگامی که بیم پیوستن به دشمن وجود داشته باشد، حرمت اجرای حد نیز وجود دارد و هر جا ترس از پیوستن به دشمن خدا نباشد، اجرای حد نیز حرمتی ندارد، حتی اگر در سرزمین دشمن باشد. بسیاری از فقیهان این قید را علت می‌دانند^۲ و دیدگاه مختار این تحقیق نیز همین است.

۱. وسائل الشیعة، الباب ۱۰ من ابواب مقدمات الحدود، الحدیث ۲.

۲. مهذب الأحكام (للسبزواری)، ج ۲۷، ص ۲۸۴؛ اسس الحدود و التعزیرات، ج ۱، ص ۱۳۶؛ حکومت دینی و حقوق انسان ۱۰۳؛ الدر المنضود فی أحكام الحدود، ج ۱، ص ۳۹۰.

با وجود این اگر این قید حکمت حکم باشد، حکم حرمت وجوداً و عدماً دائرمدار آن قید نیست؛ زیرا «حکمت» فلسفه غالبی حکم است؛ لذا ممکن است در موردی حکم باشد، ولی حکمت آن نباشد.^۱

این روایت بیانگر آن است که اولاً حضرت در جایگاه حاکم اسلامی و ثانیاً بنا به مصالحی (پیشگیری از ملحق شدن مجرم به دشمن بر اثر اجرای حد) حکم به عدم اجرای مجازات حدی نمودند.

همچنین به موجب نقل‌های متعدد از شیعه و سنی، پیامبر (ص) همواره امامان جماعت در نماز را توصیه می‌نمود تا نماز را به اعتدال برگزار کنند و از گریزان ساختن مردم (با طولانی کردن نماز) و تضييع و بی‌اهمیت ساختن نماز پرهیز کنند. مثلاً معاذ قرائت نماز را طولانی می‌کرد. روزی مردی در مسجد معاذ، هنگامی که دید معاذ قرائت سوره بلندی را آغاز کرده است، نمازش را فرادی به‌جا آورد و ماجرا را با پیامبر (ص) در میان گذاشت. پیامبر (ص) کسی را به سوی معاذ فرستاد و وی را توصیه نمود از گریزان کردن مردم خودداری کند و سوره‌های کوتاهی مانند الضحی را بخواند.^۲

امیرالمؤمنین (ع) نیز هنگام اعزام مالک اشتر به مصر در عهدنامه معروف خویش، مالک را توصیه نمود هنگام اقامه نماز نه با طولانی تر کردن نماز باعث رویگردانی مردم شود و نه با برگزاری سریع آن، از جایگاه نماز بکاهد.^۳

۱. الدر المنضود فی احکام الحدود، ج ۱، ص ۳۹۰.

۲. وسائل الشیعة، باب ۶۹ من ابواب صلاة الجماعة، الحدیث ۴.

۳. همان.

در یک روایت آمده است که وقتی پیامبر(ص) فردی به نام مُعَاذ را به یمن فرستاد توصیه کرد: «با آسانی برخورد کن و سخت نگیر و بشارت بده و ایجاد نفرت نکن». برخی گفته‌اند پیامبر(ص) همواره مبلّغان دینی را به لزوم پرهیز از آنچه مایه دین‌گریزی مردم شود توصیه می‌نمود.^۲

در متون فقهی مفاد قاعده حرمت تنفیر از دین در قالب مسئله و بحثی مستقل مطرح نشده است. با این حال می‌توان گفت فقیهان نوعی اجماع عملی بر پذیرش مفاد آن دارند؛ زیرا در مقام عمل بسیار اتفاق می‌افتد که استیفای مصالح موجود در احکام اولیه با مصالحی مهم‌تر تراحم می‌نماید. از جمله اموری که می‌تواند با مصالح احکام اولیه تراحم نماید، مفسده ناشی از تنفیر و رویگردانی مردم از دین است که در شرایط خاص وجود دارد.

شواهد متعددی در کتب فقها مورد استناد قرار گرفته که نشانگر اهمیت و کاربرد این قاعده است، که به موارد مهم اشاره می‌گردد:

در آثار فقهی آمده است که خیانت به غیرمسلمان به‌خودی‌خود قبیح است و به‌علاوه موجب نفرت مردم از اسلام می‌شود.^۳ پس اینکه نیرنگ با غیرمسلمانان موجب بیزاری مردم از دین می‌شود، دلیل مستقلی بر حرمت این عمل دانسته است.

۱. صحیح بخاری، ح ۱۰۹۹.

۲. سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۲۳۷.

۳. جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۷۸؛ حدود الشریعة، ج ۱، ص ۵۰۱.

علامه حلی در خصوص قضای نمازهای قبل از اسلام افراد تازه‌مسلمان بر این باور است که اگر بگوییم همه نمازهای قضا شده بر وی واجب است ایجاد تنفیر می‌کند: «لأنَّ إيجاب القضاء يوجب التنفیر و هو غیر مراد للشارع».^۱ بر این اساس مهم‌ترین دلیل واجب نبودن قضا این است که موجب تنفیر می‌شود. به همین دلیل مسئله حرمت تنفیر در مسائل دیگر یا در ذیل همین مسائل میان فقهای گذشته سابقه داشته است.^۲

مشهور فقهای امامیه از جمله شیخ مفید، فاضل مقداد و ابن‌ادریس قائل به حرمت اجرای حد در سرزمین دشمن شده‌اند؛ به دلیل اینکه سبب دوری کفار از اسلام می‌شود.^۳

۲.۲. اجماع

با توجه به شواهد زیادی که در همین تحقیق ذکر گردید، می‌توان ادعا کرد که نوعی اجماع عملی بر پذیرش مفاد قاعده حرمت تنفیر در میان فقیهان وجود دارد؛^۴ زیرا در مقام عمل بسیار اتفاق می‌افتد که مصالح موجود در احکام اولیه با مصالحی مهم‌تر تراحم پیدا می‌کند. از جمله اموری که ممکن است با مصالح احکام تراحم نماید، مفسده ناشی از تنفیر مردم است. اجتناب از حکمی که مایه دین‌گریزی مردم شود، از جمله مصالحی است که مصلحت اهم و اقوی تلقی می‌شود.

۱. منتهی‌المطلب فی تحقیق المذهب، ج ۷، ص ۹۱.

۲. المقنعة، ص ۷۸؛ کنز العرفان، ج ۲، ص ۳۴۲.

۳. السرائر، ج ۳، ص ۴۵۷؛ شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۴، ص ۱۴۳؛ الخلاف، ج ۵، ص ۵۲۲؛ المقنعة (للشیخ المفید)، ص ۷۸۱؛ مسالك الألفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، ص ۱۴، ص ۳۸۱؛ إيضاح الفوائد فی شرح مشكلات القواعد، ج ۴، ص ۴۸۳.

۴. «بررسی قاعده فقهی حرمت تنفیر از دین»، ص ۱۳۳.

۲.۳. عقل

برخی یکی از مستندات قاعده حرمت تنفیر را عقل دانسته‌اند؛^۱ با این بیان که رسالت دین جلب انسان‌ها به خیر و سعادت است و برای شارع مطلوب نیست که مردم از دین بیزار باشند. به حکم عقل که مصلحت مهم‌تر را بر مهم و قوی‌تر را بر قوی مقدم می‌داند، هرگاه حکمی از شریعت مایه نفرت مردم از دین شود، شارع اصراری بر اجرای آن نخواهد داشت؛ زیرا ملتزم نمودن مردم به اصل دین، برای شارع، بسیار مهم‌تر از پایبند نمودن آنان به حکمی از احکام شریعت است.

عالمان شیعه قاعده تنفیر را از یکی از ضرورت‌های دین و تبلیغ آن معرفی می‌کنند و براساس آن توصیه می‌کنند که واجب است پیامبر از فراموشی و تمام آنچه مایه گریز از وی می‌شود مانند پستی در نسب و خانواده، ناپاک بودن مادر، درشت‌خویی، غذا خوردن در کوچه و اوصافی از این دست به‌دور باشد تا بتواند مصالح دینی و جامعه اسلامی را به‌خوبی تشخیص دهد.^۲

۱. جزوه قاعده حرمت تنفیر (ایازی)، ص ۶۴.

۲. الکافی فی الفقه، ص ۶۷؛ الاقتصاد الهادی إلى طریق الرشاد (للسیخ الطوسی)، ص ۱۶۲؛ الاجتهاد و التقليد (معارج الأصول)، ص ۱۸۰؛ منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ج ۷، ص ۹۱.

۳. ملاک تنفیر در قاعده

بحث دیگر درباره دامنه اجرای قاعده تنفیر است؛ چراکه وقتی از رویگردانی مردم از دین سخن گفته می‌شود، رویگردانی چه کسانی مقصود است؟ اکثریت، اقلیت یا جمع قابل توجه؟ به نظر می‌رسد در این باره نمی‌توان به‌طور مطلق ضابطه‌ای تعیین کرد. مهم این است که اجرای حکم شریعت در مجموع با توجه به همه شرایط، از جمله شمار کسانی که از دین گریزان می‌شوند، سنجیده شود.

پیدا است که این امر از حکمی به حکم و در شرایط گوناگون متفاوت خواهد بود. به همین ترتیب، اجرای قاعده و نوع آن نیز متفاوت است و متوقف بر تنفیر شخصی نمی‌باشد، بلکه تنفیر نوعی ملاک است؛ چه اینکه در احکام دیگر که اجتماعی هستند مثل عسر و حرج ملاک براساس نوع افراد سنجیده می‌شود؛ لذا برخی برای اینکه این امر ضابطه‌مند شود و براساس سلیقه یا احساس با آن برخورد نشود، تشخیص آن را برعهده حاکم یا ولی فقیه نهاده‌اند.

التزام به مفاد این قاعده هرگز به معنای پیروی دین از عرف و عادت‌های رایج اجتماعی و سلايق بشری نیست. آموزه‌های دینی خواه از نوع معارف اعتقادی باشند یا احکام عملی، اعتبار و حقانیت وحیانی دارند. آنها با قطع نظر از رد و قبول مردم دارای ارزش و اعتبارند. دین، دنباله‌رو بی‌چون و چرای عرف غالب مردم نیست؛ برعکس، رسالت دین در بسیاری از موارد، تغییر و تبدیل عرف‌های جاری و حتی پیشگیری از تشکیل پاره‌ای از عرف‌ها و عادات و رسوم است. قرآن مجید، گاه عرف‌های رایج را به شدت تخطئه نموده و احکامی کاملاً مغایر با آنها تأسیس کرده است.^۱

معیار تشخیص این امر برعهده فقیه و حاکم است تا ملاک مذکور نیز رعایت گردد. نگارنده معتقد است با توجه به اهمیت قاعده تنفیر و اهمیت تشخیص ملاک آن و اجرای آن در برهه زمانی و اصل حفظ نظام اسلامی باید تشخیص این امر خطیر و حساس به عهده حاکم باشد.

بنابراین طبق این قاعده هرگاه به تشخیص حاکم اسلامی در برهه‌ای از زمان اجرای یکی از مجازات‌های حدی موجب و هن چهره اسلام و گریز بخش قابل توجهی از مردم اعم از مسلمان و غیرمسلمان از اسلام و احکام آن شود، حاکم اسلامی می‌تواند به‌طور موقت تا فراهم شدن زمینه اجرای آن مجازات، به تعلیق یا تبدیل مجازات حکم کند. بدیهی است که این امر به معنای نسخ حکم شریعت نیست، بلکه به معنای به فعلیت نرسیدن حکم در مرحله اجرا به لحاظ شرایط اجتماعی است. همان‌طور که اشاره شد، تشخیص این امر تنها در صلاحیت حاکم اسلامی است؛ پس هرچند تشخیص موضوعات با مکلف است، اما گریز از دین از جمله موضوعات مهمی است که برای جامعه اسلامی آثار فراوانی دارد؛ لذا در موارد مهم خود فقیه موضوع را تشخیص می‌دهد.^۱ علاوه بر این اساس این امر از جمله موضوعات سیاسی و حاکمیتی است نه شخصی و جزئی؛ لذا تصمیم‌گیری در مورد آن نیز تنها توسط حاکم اسلامی خواهد بود.

۴. کاربرد قاعده تنفیر در اتباع

نسبت به کاربرد قاعده تنفیر در مورد قوانین اتباع می‌توان به موارد متعددی اشاره نمود که براساس آن رویکردی در پیش گرفته شود تا نه تنها باعث نگرش منفی از سوی دیگران نسبت به اسلام نشود، بلکه زمینه را برای تداوم یا جذب دیدگاه دیگران نیز فراهم سازد. در این باره می‌توان به مصادیق آن اشاره نمود:

۱. **التزام در قبال قراردادهای بین‌المللی:** نظام اسلامی باید به گونه‌ای به قراردادهای بین‌المللی متعهد باشد که زمینه‌های تنفیر از اسلام فراهم نشود.

۲. **عدم پذیرش اتباع:** یکی از مواردی که در ایجاد تنفیر مؤثر است، قوانین مبتنی بر عدم پذیرش اتباع است.

۳. **خلف وعده در امان دادن به اتباع:** یکی دیگر از مواردی که در قوانین اتباع و از منظر قاعده فقهی تنفیر از دین می‌تواند کاربرد داشته باشد، خلف وعده به اتباع در حالت جنگی یا غیره بعد از امان دادن است.

۴. **رعایت حقوق اتباع بعد از پذیرش:** در مکتب اسلام رعایت حقوق اتباع پذیرش شده به مثابه یک اصل پذیرفته شده مورد توجه است و در اغلب موارد توصیه شده است که رفتار انسانی با اسرای جنگی صورت گیرد که شامل اتباع هم می‌گردد؛ بنابراین عدم رعایت حقوق اتباع منجر به دوری و دلزدگی آنان نسبت به اسلام و مسلمین می‌گردد.

۵. اخراج اتباع: یکی دیگر از مواردی که در اتباع ایجاد تنفیر می‌کند این است که اتباع پذیرفته شده از کشور اخراج شوند. طبیعتاً اخراج به راحتی صورت نمی‌گیرد و برای شخص مهاجر عواقب و مشکلاتی دارد که حاضر نیست از مملکت خارج شود.

۵. جمع‌بندی

قاعده «حرمت تنفیر از دین» محدوده وسیعی از احکام الزامی و غیرالزامی از عرصه‌های فردی و اجتماعی، سیاسی و نظامی، اقتصادی و قضایی را شامل می‌شود و هرچه موجب تنفیر از دین شود را حرام می‌داند. قلمرو حرمت تنفیر از دین نسبت به اجرای احکام شرعی بسیار گسترده است و شامل مواردی نظیر اجرای حدود و مجازات‌ها، امر به معروف و نهی از منکر (مثل قانون حجاب)، ملاحظه در قوانین مربوط به اتباع، اصل احترام به تعهدات و قراردادهای، رابطه مسالمت‌آمیز و مبتنی بر احترام با جنگ‌زدگان، اسرا و آسیب‌دیدگان جنگی و مانند آن می‌شود و بحث و بررسی‌های فقهی در مورد این موارد ضروری به نظر می‌رسد.

تحقیق پیش‌رو این مسئله را از منابع کتابخانه‌ای به روش تحلیلی - توصیفی مورد ارزیابی قرار داده و به این نتیجه می‌رسد که قاعده حرمت تنفیر متوقف بر پیش‌فرض‌هایی است و شواهد متعددی از آن در کتب فقها وجود دارد و مستند به ادله (سنت، اجماع و عقل) است و قلمرو آن اعم از مسلمانان و غیرمسلمانان است و در صورت اثبات آن برخی احکام الزامی ترک می‌گردد؛ مگر اینکه آن عمل به حدی مورد تأکید باشد که شارع تحت هیچ شرایطی راضی به ترک آن نباشد.

همچنین قلمرو عمل به این قاعده تا حدی نیست که اسلام تحت تأثیر ادیان دیگر قرار بگیرد یا تغییری در احکام دین ایجاد شود. بر این اساس با استفاده از ظرفیت‌های گسترده حکم حکومتی و با توجه به قاعده فقهی حرمت تنفیر از دین، می‌توان مجازات‌های بدنی حدی را به مجازات بازدارنده و متناسب دیگر تبدیل کرد یا اجرای آن را تعلیق یا به تعویق انداخت. تشخیص جریان قاعده حرمت تنفیر از دین در وضع قوانین برعهده حاکم اسلامی است.

توصیه‌های سیاسی

۱. اعطای اختیارات به حاکمیت جهت تعلیق یا تبدیل مجازات‌ها: با توجه به اینکه تشخیص تنفیر برعهده حاکم اسلامی است، پیشنهاد می‌شود در قوانین کیفری و اجرایی، ظرفیت‌های قانونی لازم پیش‌بینی شود تا در مواردی که اجرای یک حکم خاص (مانند حدود یا اخراج اتباع) موجب وهن شدید نظام اسلامی در عرصه بین‌المللی یا داخلی می‌شود، حاکم یا نهادهای مآذون از طرف وی بتوانند حکم را تا زمان رفع مفسده، تعلیق یا به مجازات‌های جایگزین و بازدارنده تبدیل نمایند.

۲. بازنگری در پروتکل‌های برخورد با اتباع: ضروری است قوانین مربوط به اتباع بازنگری شده و هرگونه ویزا یا مجوز ورود، نوعی امان تلقی گردد. بر این اساس، هرگونه رفتار خلاف تعهد، ضبط اموال بدون دلیل قانونی، یا سلب امنیت جانی و حیثیتی اتباع دارای مجوز، جرم‌انگاری شده و ممنوع گردد تا از خدشه‌دار شدن چهره اسلام جلوگیری شود.

۳. ممنوعیت اخراج‌های مغایر با کرامت انسانی: تصویب آیین‌نامه‌هایی که فرایند اخراج یا طرد اتباع غیرمجاز را ضابطه‌مند کند، ضروری است. این ضوابط باید به گونه‌ای باشد که از رفتارهای خشن، تحقیرآمیز و یا اخراج در شرایطی که خطر جانی قطعی برای فرد دارد، جلوگیری نماید.

۴. پیوست «سنجش تنفیر» در تصویب قوانین حساس: پیشنهاد می‌شود در فرایند قانون‌گذاری، به‌ویژه در حوزه‌های اجتماعی و حقوق بشر، یک پیوست ارزیابی تحت عنوان «سنجش بازتاب اجتماعی و بین‌المللی» (سنجش تنفیر) لحاظ گردد تا اطمینان حاصل شود که اجرای قانون جدید منجر به دین‌گریزی گسترده یا وهن اسلام نخواهد شد.

منابع

قرآن کریم

- ۱- ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
- ۲- ابن هشام حمیری، عبدالملک، السیره النبویّه = سیره ابن هشام، تحقیق مصطفی السقاء و ...، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۵م.
- ۳- اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ق.
- ۴- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت، دار الجیل، بی تا.
- ۵- تبریزی، میرزا جواد، اسس الحدود و التعزیرات، ج ۱، قم، انتشارات مهر، ۱۴۱۷ق.
- ۶- حلبی، ابو الصلاح، تقی الدین بن نجم الدین، الکافی فی الفقه، در یک جلد، اصفهان، کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین (ع)، ۱۴۰۳ق.
- ۷- حلبی، ابن ادیس، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ۳ج، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
- ۸- حلبی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد، مجمع البحوث الإسلامیّه، ۱۴۱۲ق.
- ۹- _____، تذکره الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت (ع) ۱۴۱۴ق.

- ۱۰- _____، قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام، ج ۳، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
- ۱۱- _____، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ۱۵ج، مشهد، مجمع البحوث الإسلامیة، ۱۴۱۲ق.
- ۱۲- حلی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، الاجتهاد و التقليد (معارج الأصول)، در یک جلد، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۳ق.
- ۱۳- _____، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، النجف الأشرف، مطبعة الآداب، ۱۳۸۹ق.
- ۱۴- حلی، حسن بن یوسف، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۹۸ش.
- ۱۵- خمینی، سید روح الله موسوی، مجموعه آثار امام خمینی، قم، مؤسسه تنظیم آثار امام، ۱۳۸۴ش.
- ۱۶- _____، کتاب البیع، ج ۲ و ۴، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۰ق.
- ۱۷- خوانساری، احمد بن یوسف، جامع المدارک فی شرح مختصر المنافع، ج ۲ و ۷، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۵ق.
- ۱۸- نوبهار، رحیم، «بررسی قاعده فقهی حرمت تنفیر از دین»، تحقیقات حقوقی، شماره ۲۷، ۱۳۸۴.
- ۱۹- سید مرتضی، علی بن حسین، تنزیه الأنبياء و الأئمة، مشهد مقدس، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۴۴۱ق.

- ۲۰- شیخ موحد، محمدعلی و محمدعلی حیدری و احمدرضا توکلی، «نسبت قاعده فقهی "حرمت تنفیر از دین" با حکم حکومتی در حکومت اسلامی»، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، دوره ۱۳، شماره ۴۸، ۱۳۹۸.
- ۲۱- طبرسی، فضل بن الحسن الطبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق.
- ۲۲- _____، تفسیر جوامع الجامع، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۷ش.
- ۲۳- طرابلسی، ابن براج، قاضی، عبد العزیز، المهدب (لابن البراج)، ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۶ق.
- ۲۴- طوسی، ابو جعفر، محمدبن حسن، الاقتصاد الهادی إلى طریق الرشاد (للشیخ الطوسی)، در یک جلد، تهران، انتشارات کتابخانه جامع چهل ستون، ۱۳۷۵ق.
- ۲۵- طوسی، ابو جعفر، محمدبن حسن، تهذیب الأحکام، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- ۲۶- عاملی، حرّ، محمدبن حسن، وسائل الشیعہ، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق.
- ۲۷- فاضل لنکرانی، محمد، جامع المسائل، قم، انتشارات امیر اعلم، ۱۳۷۷.
- ۲۸- فاضل مقداد، ابن عبدالله حلی سیوری، إرشاد الطالبین إلى نهج المسترشدين، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی (ره)، ۱۴۰۵ق.
- ۲۹- _____، کنز العرفان فی فقه القرآن، ج ۱ و ۲، قم، انتشارات رضوی، ۱۴۲۵ق.

- ۳۰- گلپایگانی، سید محمدرضا موسوی، الدر المنضود فی احکام الحدود، ج ۱ و ۲، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۲۲ق.
- ۳۱- محسنی، محمد آصف، حدود الشریعہ، بوستان کتاب قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۲۹ق.
- ۳۲- مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، مجموعه آراء فقهی قضایی در امور کیفری، ج ۱، قم، مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، ۱۳۸۱.
- ۳۳- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم، انتشارات صدرا، ۱۴۱۸ق.
- ۳۴- مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، المقنعه، در یک جلد، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید (ره)، قم، ۱۴۱۳ق.
- ۳۵- مکارم شیرازی، ناصر، انوار الفقاهه، ج ۱ و ۲، قم، مدرسه امیرالمؤمنین، ۱۴۱۳ق.
- ۳۶- منتظری، حسینعلی، مجازات‌های اسلامی و حقوق بشر، ج ۱، قم، ارغوان دانش، ۱۳۸۷.
- ۳۷- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم، فقه الحدود و التعزیرات، ج ۱ و ۲، قم، مؤسسه النشر للجامعه، ۱۴۲۷ق.
- ۳۸- نجفی، صاحب الجواهر، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق.

گزارش راهبردی

